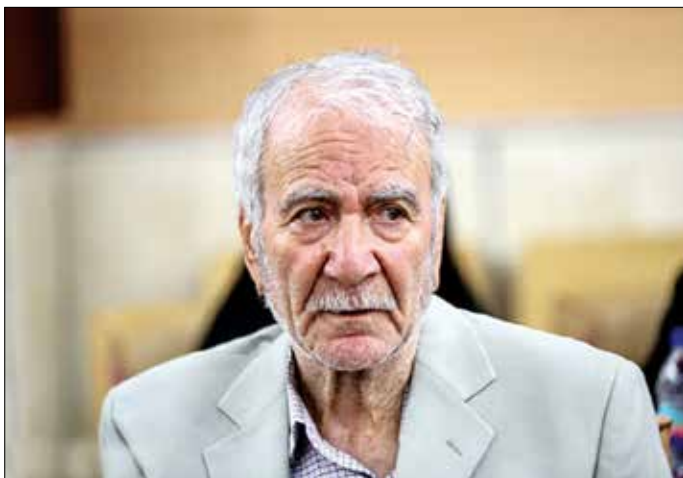


فیلسوفی از سنخی دیگر

چند نکته در باب **غلامحسین ابراهیمی دینانی** و مواجهه با فلسفه اسلامی



کریم فیضی
پژوهشگر

سخن گفتن در باب دکتر دینانی را می‌توان از خاص‌بودگی او آغاز کرد و لاجرم با همین موضوع نیز به پایان برد. کسی که به دیده تامل و از نمای نزدیک به این استاد فلسفه بنگرد، پیش و بیش از هر چیز، در او «خاص بودن» را مشاهده خواهد کرد. مفهوم مخالف این حرف، تا حد بداهت آشکار است: کسی که با دیده تامل و از نمای نزدیک-با معنایی که برای نمای نزدیک قابل تصور است- به این استاد فلسفه ننگرد، در او، کمترین نشانی از خاص‌بودگی را مشاهده نخواهد کرد. تمام یا بسیاری از شواهد و قرائن این موضوع را نشان می‌دهد و اثبات هم می‌کند که تنها کسانی در موجودیت دکتر دینانی اثری از خاص بودن را سراغ نمی‌دهند که از دور به او نگاه می‌کنند- نه نزدیک- و البته شتاب‌زده و با فقدان تامل لازم و کافی که لازمه نگرستن به هر انسانی است، چه برسد به یک فیلسوف.

در اینجا باید توضیح بدهم که مقصود من از خاص بودن دینانی- و هر شخصی- الزاماً تلقی مثبت داشتن یا تایید مطلق نیست. هر کس که کمترین اطلاعی از الفبای واقع‌بینی داشته باشد، در صحت این گزاره تردیدی به خود راه نمی‌دهد که: هیچ‌کس مطلق نیست و مطلق‌نگری نه تنها درست نمی‌تواند باشد، بلکه احیاناً نافی درست‌نگری هم هست. پس، در باب یک فیلسوف، وقتی از خاص‌بودگی او سخن می‌گوییم، هرگز درصدد صدور حکم معصومیت او و امضای عظمت و یگانگی او- اگر چنین مقولاتی قابلیت امکان داشته باشد- نیستیم، بلکه صرفاً از ویژه بودن او یاد می‌کنیم، بی‌آنکه نظر به کوچک و بزرگ یا خوب و بد بودن او داشته باشیم. واضح است که خاص بودن در دلالت‌های شناخته‌خوش، ناظر به ویژه بودن است و بس، فارغ از اینکه در مورد فرد خاص و ملبس شده به وصف خاص، چه نوع داوری داشته باشیم: سلبی یا ایجابی، همراهانه یا ناهمراهانه، مشتاقانه و مجذوبانه

یا مستنکرانه و در نهایت دوستانه یا دشمنانه. فقدان دو شرط یاد شده؛ یعنی نگاه از نمای نزدیک از سویی و متاملانه از سوی دیگر، در نگاه و نظاره به چهره‌ها و شخصیت‌ها، در طول زمان، باعث تلقی‌ها و تصوراتی کج‌ومعوج و بدتر از این دو، داوری‌هایی ناصواب شده است که نمی‌توان میان آنها و چندوچون شخصیت‌های مورد تصور و داوری تناسبی معقول- هر چند به اندازه‌ای بسیار اندک- برقرار کرد. بی‌آنکه حاجت به ارائه نمونه و بیان شاهدهی باشد، می‌توان به اظهارنظرهای متناقضی اشاره کرد که از دیرباز تا امروز در مورد اغلب شخصیت‌های علمی و فلسفی اعم از متقدم و متاخر وجود دارد.

در این میان، دکتر دینانی یکی از فیلسوفانی است که خواسته و ناخواسته، مشمول این نوع از نگاه شده و «محکوم» شده است: در نظر عده‌ای به عنوان بزرگ‌ترین فیلسوف روزگار یا یکی از آنها و در نظر عده‌ای دیگر، به عنوان مردی که بهره‌ای از فلسفه واقعی نبرده است و نمی‌داند در سپهر فلسفه جهانی و امروزی چه می‌گذرد! در دو سوی این اظهارنظرهای سلبی محض و ایجابی محض، دیدگاه‌های دیگری وجود دارد که بیش از هر چیز به درد بی‌اعتنایی کردن می‌خورند و آن، دیدگاه کسانی است که تقریباً در باب هر موضوعی، دیدگاه‌های بی‌مایه صادر می‌کنند و از شما چه پنهان که تسری این‌گونه دیدگاه‌ها بر مسائل گوناگون، از بارب‌ترین تا بی‌رب‌ترین،

چنان در حال فراگیر شدن است که گاه می‌تواند نیرومندترین عقل‌ها را به حیرت و دهشت و بدتر از این هر دو، به گیجی بیفکند.

اما دکتر دینانی استادی است با نحوه خود. شاید بتوان بخشی از عبارت سپهری در شعر ماقبل آخر دفتر «حجم سبز» را در مورد او صادق دانست، آنجا که در حق «دوست» خود، از تعبیر «به شکل خلوت خود» و «به سبک خود» یاد می‌کند. بی‌شک اگر واقعیت این موضوع درباره دکتر دینانی محرز شود، بازگشت آن به چیزی جز خاص‌بودگی وی نخواهد بود. به عنوان کسی که سالیانی نسبتاً طولانی با این استاد آشنایی و انس و دم‌خوری داشته‌ام، شواهد زیادی در دست دارم که در خاص بودن دینانی، دست‌کم برای شخص خودم، کمترین تردیدی به‌جا نمی‌گذارد. قبلاً اشاره کرده‌ام که این نوع داوری و ارائه شاهد و نمونه و «برهان» برای آن، دلیل بر دوست داشتن و دشمن داشتن این استاد از ناحیه من نیست و نمی‌تواند باشد.

باری، گذشته از اطوار وجودی دکتر دینانی که همه‌کس از آن خبر ندارد، نوع مواجهه او با مسائل گوناگون، این موضوع را تایید می‌کند که ما در دینانی، دقیقاً با یک پدیده خاص مواجه هستیم: مردی که از تعلق خاطرش به اسلام، به عظمت ایران و موارث ملی رسیده است. فیلسوفی که از متن شرق آغاز کرده است، ولی با کمال تعجب از غرب و تکاپو در مرزهای فلسفه غرب بخصوص برخی

نیایش فیلسوف



نشر علم
۱۳۹۴

کتاب حاضر مجموعه‌ای از مقالات فلسفی و کلامی است که در زمان‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون نوشته شده است. برخی از این مقالات در مجله‌ها و جراید کشور انتشار یافته و برخی دیگر به صورت مقدمه بر برخی از کتاب‌های فلسفی و عرفانی به رشته تحریر درآمده است. شماری اندک از این مقالات نیز برای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی نوشته شده و در ردیف مداخل آن کتاب به چاپ رسیده است.

معاد



انتشارات حکمت
۱۳۹۳

این اثر اولین بار سال ۱۳۶۸ شمسی منتشر شد و کتاب «معاد» ویرایش جدید و تکمیل آن اثر است. دینانی بر این ویرایش نخست یک مقدمه مفصل ۴۶ صفحه‌ای افزوده است. عناوین فصول کتاب عبارتند از: نفس و بدن، ترکیب هیولا و صورت اتحادی است، آنچه در دو حال باقی می‌ماند از سنخ صورت است، علاقه نفس و بدن اتحادی است، ارتباط عرض و موضوع آن.

قواعد کلی فلسفه در فلسفه اسلامی



پژوهشگاه علوم
انسانی
۱۳۹۳

این اثر در سال ۱۳۶۰ در سه مجلد و اکنون در دو مجلد چاپ شده است. نویسنده، این کتاب را قبل از انقلاب نوشته است که البته بعد از انقلاب هم تجدیدچاپ شد. این نخستین کتابی بود که وی به طور رسمی تالیف کرد و مولف اکنون بعد از گذشت حدود چهل سال از زمان تالیف آن، این اثر را مهم‌ترین اثر قلمی خود می‌داند.